



## Prevention of Victimization of Lawyers in the Iranian Legal System

Soleyman Jafari<sup>1</sup>, Ali Akbar Gorji<sup>2</sup>, Jafar Kousha<sup>3</sup>

### Abstract

**Field and Aims:** Lawyers, as key actors in the realization of justice and the defense of citizens' rights, are exposed to various occupational threats and forms of victimization. Such victimization may include threats, defamation, obstruction of duty, and even physical violence. The purpose of this article is to analyze the underlying causes of lawyers' victimization in Iran and to propose preventive measures within the framework of the existing legal system.

**Method:** This article has been prepared using a descriptive – analytical approach.

**Findings and Conclusions:** The findings of this study indicate that the phenomenon of lawyers' victimization in Iran particularly in criminal, family, and economic cases has become a serious problem that both undermines the professional independence of lawyers and threatens citizens' right to fair trial. The main contributing factors include the weakness of legal protective mechanisms, the absence of specialized institutions to address crimes against lawyers, the lack of public awareness about the role of the legal profession, and the absence of risk management training for lawyers. On the other hand, this study shows that despite the capacities embedded in Iran's Constitution and ordinary laws, the legal system lacks effective operational mechanisms for both prevention and response. Consequently, addressing this challenge requires a systematic approach, including the enactment of comprehensive legislation for the protection of lawyers with a specific focus on criminalizing assaults against them, the establishment of supervisory and support bodies within bar associations to promptly address threats, and public awareness campaigns to highlight the role of lawyers as a cornerstone of justice. Furthermore, the use of technology to reduce high-risk physical interactions and the provision of security skills training for lawyers are among other necessary measures. Without these actions, not only will lawyers' job security remain unprotected, but the realization of fair trial for all citizens will also be jeopardized.

**Keyword:** Victimization prevention, lawyers, Iranian legal system, occupational security, criminal protection, judicial policymaking.

\* Citation (APA): Jafari, S., Gorji, A.A., Kousha, J. (2025). Prevention of Victimization of Lawyers in the Iranian Legal System. *Applied criminology research*, 3(8), 89-105.

[https://www.qacr.ir/article\\_729097.html?lang=en](https://www.qacr.ir/article_729097.html?lang=en)

1. PhD Candidate in Public Law, Emirates Branch, Islamic Azad University, Dubai, United Arab Emirates. Email: jafarysoleyman@gmail.com

2. Associate Professor, Department of Public Law, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran. (Author). Email: gorji110@yahoo.fr

3. Associate Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran. Email: j-kousha@sbu.ac.ir



## پیشگیری از بزه‌دیدگی وکلا در نظام حقوقی ایران

سلیمان جعفری<sup>۱</sup>، علی‌اکبر گرجی<sup>۲</sup>، جعفر کوشا<sup>۳</sup>

## چکیده

**زمینه و هدف:** وکلا به عنوان عاملان مهم تحقق عدالت و دفاع از حقوق شهروندان، در معرض انواع تهدیدات و بزه‌دیدگی‌های شغلی قرار دارند. این بزه‌دیدگی‌ها می‌تواند شامل تهدید، افترا، ممانعت از انجام وظیفه و حتی خشونت فیزیکی باشد. هدف این مقاله، تحلیل زمینه‌های بزه‌دیدگی وکلا در ایران و ارائه راهکارهای پیشگیرانه در چارچوب نظام حقوقی موجود است.

**روش:** این مقاله به روش توصیفی - تحلیلی نگارش یافته است.

**یافته‌ها و نتایج:** یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که پدیده بزه‌دیدگی وکلا در ایران، به‌ویژه در پرونده‌های کیفری، خانوادگی و اقتصادی، به معضلی جدی تبدیل شده که هم به استقلال حرفه‌ای وکلا آسیب می‌زند و هم حق دسترسی شهروندان به دادرسی عادلانه را تهدید می‌کند. مهم‌ترین عوامل این پدیده شامل ضعف سازوکارهای حمایتی قانونی، نبود نهادهای تخصصی پیگیری جرایم علیه وکلا، عدم آگاهی عمومی از نقش وکالت و فقدان آموزش‌های مدیریت ریسک برای وکلاست. از سوی دیگر، پژوهش حاضر نشان می‌دهد که نظام حقوقی ایران با وجود ظرفیت‌های موجود در قانون اساسی و قوانین عادی، فاقد مکانیزم‌های عملیاتی پیشگیرانه و واکنشی مؤثر است. در نتیجه، مقابله با این چالش مستلزم اتخاذ رویکردی نظام‌مند شامل تدوین قانون جامع حمایت از وکلا با محوریت جرم‌انگاری خاص تعرض به وکلا، ایجاد نهادهای نظارتی و حمایتی در کانون‌های وکالت برای پیگیری فوری تهدیدات و فرهنگ‌سازی عمومی برای تبیین جایگاه وکالت به عنوان رکن عدالت است. همچنین، به‌کارگیری فناوری برای کاهش تعاملات فیزیکی پرخطر و آموزش مهارت‌های امنیتی به وکلا، از دیگر راهکارهای ضروری است. بدون این اقدامات، نه تنها امنیت شغلی وکلا تضمین نخواهد شد، بلکه تحقق دادرسی عادلانه برای تمامی شهروندان نیز با مخاطره مواجه می‌شود.

**کلیدواژه‌ها:** پیشگیری از بزه‌دیدگی، وکلا، نظام حقوقی ایران، امنیت شغلی، حمایت کیفری، سیاست‌گذاری قضایی.

\*استناددهی (APA): جعفری، سلیمان؛ گرجی، علی‌اکبر؛ کوشا، جعفر. (۱۴۰۴). پیشگیری از بزه‌دیدگی وکلا در نظام حقوقی ایران. پژوهش‌های جرم‌شناسی کاربردی، ۳(۸)، ۸۹-۱۰۵.

[https://www.qacr.ir/article\\_729097.html](https://www.qacr.ir/article_729097.html)

۱. دانشجوی دکتری حقوق عمومی، واحد امارات، دانشگاه آزاد اسلامی، دبی، امارات متحده عربی.

رایانامه: jafarysoleyman@gmail.com

۲. دانشیار گروه حقوق عمومی دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول). رایانامه: gorji110@yahoo.fr

۳. دانشیار گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران. رایانامه: j-kousha@sbu.ac.ir

## مقدمه

وکالت دادگستری، شغلی مستقل، جذاب اما درعین‌حال، پرخطر و پراضطراب بوده که دورنمایی فریبنده داشته ولیکن درونی پرتلاطم و مملو از آشوب دارد. اگر از منظر آسیب‌شناسی به این حرفه نگریده شود؛ آنچه در وهله اول اهمیت قرار دارد، اضطراب و استرس ناشی از آن است که شاید این شخصیت شغلی و اجتماعی، ارزش آن همه استرس را نداشته باشد. علاوه بر تهدیدات شغلی، حیثیتی و مالی، تهدیدات و جرایم علیه تمامیت جسمانی وکلا، معضلی رو به افزایش بوده که این حرفه بسیار تخصصی را به مخاطره افکنده است (خوش سلوک، ۱۴۰۲: ۱۸۲). شواهد فزاینده‌ای وجود دارد که نشان می‌دهد نگرانی از بزه‌دیدگی منجر به آن شده تا وکلا سطوح بالایی استرس شغلی را تجربه کنند که این امر به زندگی شخصی آنها نیز تسری دارد. البته وکلا در همه حوزه‌های حقوقی در معرض آسیب قرار ندارند و برخی حوزه‌ها امکان بیشتری را در خصوص بزه‌دیدگی برای آنان فراهم می‌کند (کلک، مدلو و هایکی<sup>۱</sup>، ۲۰۱۰: ۱۱۵). مطالعات نشان می‌دهند که پرونده‌های کیفری، خانوادگی و مهاجرتی بیشترین زمینه را برای بروز خشونت علیه وکلا ایجاد می‌کنند (اوماری و پاول<sup>۲</sup>، ۲۰۱۴: ۱۴۳). واقعیت آن است که وکالت در پرونده‌های خشونت‌بار مانند پرونده‌های جنایی خطرپذیری را افزایش می‌دهد. همچنین انتشار عمومی اطلاعات وکلا در فضای مجازی آنان را بیشتر در معرض خطر قرار می‌دهد (چریکو و همکاران<sup>۳</sup>، ۲۰۲۴: ۹۶). امنیت شغلی وکلا، به عنوان یک مسئله چندوجهی و پیچیده، تحت تأثیر عوامل متعددی از جمله مسائل قانونی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی قرار دارد. تهدیدات فیزیکی، مشکلات حقوقی، اختلافات مالی، ضعف در حمایت‌های قضائی و کاهش اعتماد عمومی به نظام عدالت، از جمله عواملی هستند که می‌توانند جایگاه وکلا را به خطر اندازند (صیاد و امینی زارع، ۱۴۰۳: ۱). وکالت دادگستری، به مثابه حلقه اتصال شهروندان به نظام عدالت، نقشی بی‌بدیل در تحقق حق بر دادرسی عادلانه ایفا می‌کند. با این حال، این جایگاه خطیر، وکلا را در معرض تهدیدات و تعرضاتی قرار داده که نه تنها امنیت فردی آنان، بلکه استقلال حرفه‌ای و کارآمدی کل نظام قضایی را با مخاطره مواجه ساخته است. بزه‌دیدگی وکلا، اعم از تهدید، اهانت، ضرب و جرح، پرونده‌سازی و حتی قتل، پدیده‌ای است که ریشه در کنشگری فعال آنان در پرونده‌های کیفری، خانوادگی و اقتصادی دارد و آنان را از «مدافعان عدالت» به «قربانیان عدالت» تبدیل می‌کند. این امر نه تنها یک نگرانی صنفی، بلکه تهدیدی جدی برای حق اساسی شهروندان بر دسترسی به وکیل و دادرسی منصفانه محسوب می‌شود. در سال‌های اخیر، افول امنیت شغلی

1. Kelk, Medlow & Hickie
2. Omari & Paull
3. Chirico et al

و کلا در ایران به معضلی فراگیر تبدیل شده است. آمارهای غیررسمی از افزایش قابل توجه پرونده‌های مرتبط با تهدید و تعرض به وکلا حکایت دارد؛ پرونده‌هایی که غالباً به دلیل نبود سازوکارهای حمایتی شفاف و قاطع، به نتیجه مطلوب نمی‌رسند. این وضعیت تا بدان جا بحرانی شده که حتی وکلا در مواردی به دلیل دفاع از موکلان خود، به عنوان متهم وارد سیستم قضایی می‌شوند و مصونیت قضایی آنان نادیده گرفته می‌شود. چنین فضایی نه تنها موجب خودسانسوری و کاهش کیفیت دفاعیات می‌گردد، بلکه اعتماد عمومی به نهاد وکالت و عدالت را نیز مخدوش می‌سازد. با این وجود، نظام حقوقی ایران از ظرفیت‌های تقنینی و نهادی قابل توجهی برای مقابله با این پدیده برخوردار است. اصول قانون اساسی، قوانین عادی و آیین‌نامه‌های کانون وکلا، در صورت تفسیر پیشرو و اجرای کارآمد، می‌توانند چارچوب مناسبی برای حمایت از وکلا فراهم آورند. این مقاله در پی آن است که با واکاوی این ظرفیت‌ها و همچنین شناسایی خلأهای موجود، راهکارهای عملیاتی، اعم از تقنینی، قضایی و اجرایی را برای پیشگیری از بزه‌دیدگی وکلا ارائه دهد.

### ۱. اهمیت نقش وکالت در تحقق دادرسی عادلانه

حق دادرسی عادلانه یکی از حقوق بنیادین بشر است که در بسیاری از اسناد حقوق بشر به آن اشاره شده است. رعایت این حق، صحت و کارایی و سلامت سیستم قضایی و دادگستری یک کشور را تضمین می‌کند. زمانی که این حق مورد نقض قرار بگیرد، افراد بی‌گناه در معرض محکومیت و مجازات قرار می‌گیرند و دستگاه قضایی اعتبار خود را از دست می‌دهد.

دادرسی عادلانه یا منصفانه به معنای تضمینات کلی است که جهت رعایت حقوق طرفین در فرآیند دادرسی انواع دعاوی نزد دادگاهی صلاحیت‌دار، مستقل، بی‌طرف و قابل پیش‌بینی در مکانیزم قضایی پیش‌بینی شده است. دولت‌ها به شیوه‌های مختلف از جمله قانون‌گذاری و پیش‌بینی مکانیزم اجرایی مؤثر، به تضمین حق دادرسی عادلانه برای افراد متعهد هستند (بهادری جهرمی و حسینی، ۱۳۹۳: ۹). در ادبیات قضایی، این واژه به معنای داشتن وصف بی‌طرفی و درستی، آزادی از تعصب و جانب‌داری و نفع شخصی، عادلانه، منصفانه، غیر جانب‌دارانه و برابری میان طرفین منازعه، به کار برده می‌شود (فضائلی، ۱۳۸۹: ۴۹). این حق که در اسناد بین‌المللی مهمی همچون «میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی» در (ماده ۱۴)، «اعلامیه جهانی حقوق بشر» در (مواد ۱۰ و ۱۱) و «کنوانسیون اروپایی حقوق بشر» در (ماده ۶) به صراحت به آن پرداخته شده است، مؤلفه‌های ضروری چون حق بر دسترسی به وکیل، حق بر محاکمه در دادگاه صالح، مستقل و بی‌طرف، حق بر اصل برائت و فرض بر بی‌گناهی، حق بر رسیدگی در مدت زمان معقول و حق دفاع مؤثر از خود را در برمی‌گیرد. این اسناد با به رسمیت شناختن این حق، چارچوبی جهانی برای استانداردهای یک دادرسی عادلانه تعیین

کرده و دولت‌های عضو را متعهد به تضمین آن برای تمامی افراد تحت صلاحیتشان می‌کنند. بر این مبنا هرگونه بزه‌دیدگی و کیل اعم از تهدید، خشونت یا پرونده‌سازی در واقع حمله به خود اصل دادرسی عادلانه است. هنگامی که وکیل به دلیل انجام وظیفه‌اش ناامن شود، حق دسترسی موکل به وکیل برای دفاع مؤثر و در نتیجه، حق بر محاکمه منصفانه او به طور جدی نقض می‌گردد؛ به عبارت دیگر، امنیت وکیل شرط لازم و اساسی برای تحقق بی‌دغدغه و کامل حق بر دادرسی عادلانه برای تمام شهروندان است.

## ۲. مصونیت وکیل در نظام حقوقی ایران

مصونیت وکیل، به عنوان یک سازوکار حمایتی ضروری، ضامن استقلال حرفه‌ای وکیل و امکان دفاع آزادانه و بی‌واهمه از موکل است. این مصونیت عمدتاً ناظر بر مصونیت قضایی اظهارات وکیل در دادگاه است که به او اجازه می‌دهد بدون ترس از تعقیب یا پیگرد، از کیفیات موکلش دفاع کند. ارتباط این مصونیت با پدیده بزه‌دیدگی وکلا کاملاً مستقیم و حیاتی است؛ چرا که فقدان یا نقض این مصونیت، وکیل را در برابر انواع تهدیدات و تعرضات مانند اتهام زنی، پرونده‌سازی قضایی یا انتقام‌جویی آسیب‌پذیر می‌کند. هنگامی که وکیل از مصونیت کافی برخوردار نباشد، نه تنها خود به‌آسانی به بزه‌دیدگی حرفه‌ای دچار می‌شود، بلکه اساس حق بر دادرسی عادلانه و دفاع مؤثر که وکیل نخبگان آن است را نیز به مخاطره می‌اندازد؛ بنابراین، تقویت و تضمین مصونیت وکیل، یکی از کلیدی‌ترین راهکارها برای پیشگیری از بزه‌دیدگی آنان و حفظ سلامت نظام قضایی است.

مصونیت به اعتبار دامنه گستره شمول آن به مصونیت ماهوی و تشریفاتی از یک سو و مصونیت مطلق و نسبی از سوی دیگر تقسیم می‌شود. مصونیت ماهوی به این معنا است که به رغم جرم بودن عمل ارتكابی، مرتکب اصولاً قابل تعقیب نیست و قانون کیفری در خصوص فرد بهره‌مند از مصونیت، به طور دائم قابلیت اجرا ندارد (حبیب‌زاده، ۱۳۸۷: ۱۶۴). طبق یک نظر «مصونیت عاملی است که زوال مسئولیت کیفری را چه به طور نسبی و یا مطلق موجب می‌شود و غالباً از وجود کیفیت و یا حالتی در شخص مرتکب نشأت گرفته یا در بعضی موارد به صورت استثنایی از اوضاع و احوال و شرایطی که موجب تحقق جرم شده است ناشی می‌شود. مصونیت ممکن است تمام جرایم را در برگیرد و یا شامل مصادیق خاصی از جرایم شود» (حبیب‌زاده، ۱۳۸۷: ۱۶۵). در یک مفهوم کلی مصونیت به معنی محفوظ بودن از تعرض به کار رفته است از این نظر مسکن، حیثیت و آبرو مکاتبات و مراسلات افراد از تعرض مستثنی می‌باشند مگر در مواردی که به موجب قانون مستثنی شده است، اما هنگامی که وصف مصونیت در مورد افراد خاصی به لحاظ مسئولیت شغلی آنها مورد استفاده قرار می‌گیرد، به مفهوم در امان بودن دارنده آن از تعقیب قانون و مقامات مجری آن است. در یک نظام قانونی همه افراد

در برابر قانون و دادگاه مساوی بوده و دارای مسئولیت کیفری و حقوقی می‌باشند. لیکن بعضی افراد از جمله مأمورین سیاسی و کنسولی دولت‌های خارجی، نمایندگان مجلس، روسای کشورها و قضات به دلیل وظایف ویژه خود از مصونیت از تعرض برخوردار می‌باشند. این مصونیت با توجه به شخص دارنده آن با عنوان مصونیت سیاسی، پارلمانی و قضایی شناخته می‌شود (توسلی، ۱۳۸۰: ۹). از منظر فقهی بر اساس دو قاعده می‌توان برای وکیل مصونیت در نظر گرفت. یکی از این قواعد، قاعده لاضرر است که مطابق با آن می‌توان وکیل را دارای مصونیت دانست و قاعده دیگر اتلاف و تسبیب است که می‌تواند به عنوان مستند مسئولیت مدنی وکلا قرار گیرد. اتلاف به این معنی است که شخص مستقیماً و بدون واسطه در تلف کردن مال دیگری نقش داشته باشد که این مسئله درباره وکلا کمتر رخ می‌دهد؛ زیرا در حال انجام وظیفه خود به‌طور نادر ممکن است مستقیم موجب اتلاف شوند. تسبیب هم شرایطی است که شخصی به‌طور مستقیم در تلف مال یا کسر شأن و یا صدمات روحی و بدنی دیگری نقش نداشته لکن برای تحقق آنها سبب‌سازی کرده است (احمری و احمدی، ۱۳۸۸: ۲۰). همچنین مجمع تشخیص مصلحت نظام در تاریخ ۱۳۷۰/۷/۱۱ ماده واحده انتخاب وکیل توسط اصحاب دعوا را تصویب کرد. به موجب تبصره ۳ این ماده واحده: «وکیل در موضع دفاع» از احترام و تأمینات شاغلین شغل قضا برخوردار است. مصوبه فوق مصونیتی مشابه مصونیت دادرسان برای وکلا در مقام دفاع در نظر گرفته است.<sup>۱</sup> بنابراین می‌توان گفت مصونیت وکلا یک سازوکار حمایتی ضروری است که با تضمین امنیت و استقلال حرفه‌ای آنان، امکان دفاع آزادانه و بی‌واهمه از موکل را فراهم می‌کند. این مصونیت که عمدتاً ناظر بر اظهارات وکیل در دادگاه است، او را در برابر تهدیداتی مانند اتهام‌زنی، پرونده‌سازی قضایی و انتقام‌جویی مصون می‌دارد و از بزه‌دیدگی حرفه‌ای وی جلوگیری می‌کند. فقدان این مصونیت نه تنها وکیل را آسیب‌پذیر می‌کند، بلکه حق بر دادرسی عادلانه و دفاع مؤثر را نیز به مخاطره می‌اندازد. این امتیاز که می‌تواند به صورت مطلق یا نسبی و در ابعاد ماهوی یا تشریفاتی اعطا شود، مشابه مصونیت‌های اعطایی به مقامات سیاسی و قضایی، عاملی کلیدی برای حفظ سلامت نظام قضایی محسوب می‌گردد.

۱. با وجود آنکه مصونیت وکلا در رویه عملی کشورمان چندان مورد توجه و عنایت قرار نگرفته است، به نظر می‌رسد بر خلاف مصونیت دادرسان، تنها دارای جنبه تشریفاتی نیست؛ یعنی وکلا علاوه بر مصونیت تشریفاتی، دارای مصونیت ماهوی نیز هستند. از جمله در خصوص جرم افترا و توهین در مقام دفاع یا به مناسبت آن، وکلا با حفظ حق دفاع و پاسخگویی فرد مورد توهین، مصون از تعقیب هستند.

## ۳. ماهیت بزه‌دیدگی خاص وکلا

بزه‌دیدگی، عمل قربانی کردن مجرمانه را بزه‌دیدگی می‌گویند. عمل مجرمانه‌ای که شخص، قربانی آن می‌گردد و می‌تواند قتل، سرقت، تجاوز به عنف و بسیاری از جرایم دیگر باشد. فردی هم که قربانی چنین عمل مجرمانه‌ای قرار می‌گیرد ممکن است زن، مرد، پیر یا جوان باشد به عبارتی همان‌گونه که جرایم متنوع هستند بزه‌دیدگان هم متنوع و گوناگون هستند (مرتضوی، ۱۳۷۶: ۱۱). در واقع بزه‌دیده کسی است که یک خسارت قطعی، آسیبی به تمامیت جسمی او وارد کرده است و اکثر افراد جامعه هم به این مسأله اذعان دارند. هانس فون هنتینگ پدر علم بزه‌دیده‌شناسی، بزه‌دیده را چنین تعریف نموده: که بزه‌دیده جرم مانند کسی است که کالبد عمل مجرمانه را تشکیل داده است. هنتینگ بزه‌دیده را در مفهوم مضیق خود مطرح ساخت که ناظر بر مجنی علیه است (الستی و حسن‌پور، ۱۳۸۵: ۴).

در رویکرد بزه‌دیده‌شناسی حمایتی، بزه‌دیده نه به عنوان عنصری مؤثر در ارتکاب جرم، بلکه صرفاً به عنوان شهروندی که حقوق او در راستای ارتکاب جرم تضییع شده و نیاز بسیار به حمایت جامعه در رفع خواسته‌ها و ترمیم خسارات وارده بر خود دارد، تلقی می‌شود (کرامتی معز، ۱۴۰۳: ۳۳). بزه‌دیدگی ممکن است به‌واسطه یک شغل باشد و در این خصوص می‌توان را بزه‌دیدگی خاص خواند. در این زمینه و با توجه به هدف این پژوهش بزه‌دیدگی به‌واسطه شغل وکالت پدیده‌ای فراگیر بوده و در همه جوامع قابل رویت است.

بزه‌دیدگی خاص وکلا به وضعیتی اطلاق می‌شود که در آن، وکیل به دلیل ایفای نقش حرفه‌ای خود و در چارچوب وظایف ذاتی وکالت، هدف اقدامات مجرمانه قرار می‌گیرد. این شکل از بزه‌دیدگی، ماهیتی کاملاً متفاوت از بزه‌دیدگی عادی دارد؛ چرا که ریشه در کنشگری وکیل در سیستم عدالت دارد و نه لزوماً در شخصیت یا زندگی خصوصی او. بر این اساس مهاجم ممکن است موکل ناراضی، طرف مقابل پرونده، بستگان آنها یا حتی در مواردی، نهادهای حاکمیتی باشند که از عملکرد وکیل احساس خطر می‌کنند؛ بنابراین، وکیل نه به عنوان یک قربانی منفعل، بلکه به عنوان یک «عامل فعال» در عرصه عدالت که به دلیل اقدامش مورد هدف قرار گرفته، بزه‌دیده محسوب می‌شود. این ویژگی، هسته اصلی مفهوم بزه‌دیدگی خاص را تشکیل می‌دهد (کریل، جانسون و آلبرت، ۲۰۱۶: ۴۸). ایراد ضرب و جرح وکلا، قتل عمد و حتی تهدید به قتل، تخریب اموال و سرقت اموال وکلا از مصادیق خطرانی است که هر وکیل را بسته به نوع پرونده، شخصیت موکل و طرف مقابل دعوا تهدید می‌کند. جرایم علیه تمامیت جسمانی وکلا نه تنها از سوی طرف مقابل در پرونده‌ها، بلکه توسط موکلین نیز علیه وکلا ارتکاب می‌یابد و بیش‌ازپیش این حرفه را با خطرات عدیده روبه‌رو می‌کند



(خوش سلوک، ۱۴۰۲: ۱۸۲). مصادیق بزه‌دیدگی و کلا همچنين متناسب با شأن و موقعیت حرفه‌ای وکیل، از طیف وسیعی برخوردار است. این طیف تنها به تهدید یا ضرب و جرح فیزیکی محدود نمی‌شود، بلکه اشکال پیچیده‌تری مانند هتک حرمت و حیثیت (از طریق افترا و نشر اکاذیب)، ایجاد رعب و ارعاب روانی، ممانعت از دسترسی به پرونده یا ملاقات با موکل، اتهام‌زنی و پرونده‌سازی‌های قضایی علیه خود وکیل و نیز کلاهبرداری تحت عنوان وکالت را در برمی‌گیرد؛ به عبارت دیگر، هر اقدامی که بتواند به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم، استقلال حرفه‌ای، امنیت روانی، تمامیت جسمانی و اعتبار اجتماعی وکیل را به دلیل انجام وظیفه‌اش خدشه‌دار کند، در ذیل مفهوم بزه‌دیدگی خاص وکلا قرار می‌گیرد. این امر لزوم تدبیر راهکارهای حمایتی ویژه و متفاوت از مکانیزم‌های حمایت از بزه‌دیدگان عادی را آشکار می‌سازد (لکلرز، ویمنت و برانت<sup>۱</sup>، ۲۰۲۰: ۹۶۲). بر این اساس می‌توان گفت بزه‌دیدگی وکلا، به عنوان مصداقی از بزه‌دیدگی خاص، پدیده‌ای است که مستقیماً ناشی از نقش فعال آنان در سیستم عدالت است و نه شرایط شخصی یا تصادفی. برخلاف بزه‌دیدگی سنتی که صرفاً بر آسیب جسمانی یا مالی متمرکز است وکیل به دلیل انجام وظیفه حرفه‌ای خود که شامل دفاع از موکل تا پیگیری عدالت است، هدف طیف وسیعی از تهدیدات قرار می‌گیرد که شامل خشونت فیزیکی، تهدید، هتک حیثیت، پرونده‌سازی و ایجاد رعب روانی می‌شود. این امر نشان می‌دهد که وکیل نه یک قربانی منفعل که کنشگری است که به خاطر عملش هدف قرار می‌گیرد.

#### ۴. سازوکارهای قانونی پیشگیری از بزه دیدگی وکلا در ایران

پیشگیری به مجموعه تدابیر و سیاست‌هایی گفته می‌شود که یک دولت با مداخله سعی در کاهش خسارت‌های ناشی از اعمال بزه‌کارانه و رفتارهای مرتبط با آن دارد (کرولی<sup>۲</sup>، ۲۰۱۳: ۴). این اقدامات پیشگیرانه نه تنها می‌توانند از وقوع جرم جلوگیری کنند، بلکه راه‌حل‌های مقرون به صرفه‌ای هستند که موجب صرفه‌جویی در منابع عمومی می‌شوند (گرینز و همکاران<sup>۳</sup>، ۲۰۱۳: ۷). پیشگیری به دو شکل کیفری و غیرکیفری است و البته حقیقت پیشگیری کیفری با تهدید تابعان حقوق کیفری، از یک سو و به اجرا گذاشتن این تهدید از طریق مجازات کسانی که ممنوعیت‌های کیفری را نقض کرده‌اند از سوی دیگر، در مقام پیشگیری عام و خاص از جرم و تکرار آن است (خدائیان، ۱۳۹۱: ۴). در خصوص مفهوم پیشگیری غیرکیفری و خصوصیات آن تعاریف متعددی ارائه گردیده است. در یک تعریف، موريس کوسن جرم‌شناس کانادایی پیشگیری غیرکیفری را چنین تعریف کرده است: «مجموعه اقدام‌ها و تدابیر

1. Leclerc, Wemmers & Brunet

2. Crowley

3. Griner et al

غیرقهرآمیز که با هدف خاص مهار بزهکاری، کاهش احتمال جرم و کاهش وخامت جرم پیرامون علل جرایم اتخاذ می‌شود» (ابراهیمی، ۱۳۹۰: ۳۸). در قوانین سازوکارهای پیشگیری از بزه‌دیدگی و کلاً به‌صراحت و مستقیم اشاره نشده، اما می‌توان این ظرفیت‌های را در محتوای قوانین جستجو کرد. این ظرفیت‌ها هم در قانون اساسی و در قوانین عادی قابل مشاهده است که ذیلاً به بررسی آنها می‌پردازیم.

## ۴-۱. ظرفیت‌های پیشگیرانه در قانون اساسی

با توجه به نظام‌های حاکم بر کشورها، قانون اساسی هر کشور دارای مبانی نظری و کارکردهای خاصی است. مبانی نظری قوانین در این کشورها از سوی اندیشمندان، نخبگان و رهبران، تعیین، تدوین و تصویب می‌شود. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز دارای کارکردهایی است که در برخی موارد منحصربه‌فرد و در مواردی مانند کارکردهای قوانین دیگر کشورهاست. قانون اساسی به منزله اساسنامه نظام جمهوری اسلامی ایران و عالی‌ترین سند حقوقی و سیاسی کشور، مبنای اعتقادی و فلسفه سیاسی حکومت، سازوکارها، روندها، سیاست‌ها، هدف‌ها و ارزش‌های نظام انقلابی و اسلامی است (معینی‌پور، ۱۳۸۶: ۲). قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران با در نظر گرفتن اصولی کلیدی، بستر حقوقی لازم برای حمایت از جایگاه وکالت و پیشگیری از بزه‌دیدگی و کلاً را فراهم می‌کند. اصل ۳۵ که مستقیماً به حق وکیل اشاره دارد، مقرر می‌دارد: «در همه دادگاه‌ها طرفین دعوی حق دارند برای خود وکیل انتخاب کنند و اگر توانایی انتخاب وکیل را نداشته باشند باید برای آنها امکانات تعیین وکیل فراهم گردد.» این اصل، انتخاب وکیل را به یک حق عمومی تبدیل کرده و جامعه را موظف به تأمین امنیت برای تحقق این حق می‌کند. علاوه بر این، اصل ۱۶۸ بر علنی بودن دادرسی و حق حضور وکیل در دادگاه‌های کیفری تأکید دارد: «رسیدگی به جرایم سیاسی و مطبوعاتی علنی است و با حضور هیئت منصفه در محاکم دادگستری صورت می‌گیرد. نحوه انتخاب، شرایط، اختیارات هیئت منصفه و تعریف جرم سیاسی را قانون بر اساس موازین اسلامی معین می‌کند.» این اصل با الزام به علنی بودن و حضور نهادهای نظارتی مانند هیئت منصفه، فضای شفاف‌تری ایجاد می‌کند که خود عاملی بازدارنده در برابر اعمال فشار پنهانی بر وکلا است. اصول دیگری از قانون اساسی نیز به صورت غیرمستقیم، پشتوانه‌ای تقویت‌کننده برای امنیت وکلا محسوب می‌شود. اصل ۱۵۶ قوه قضائیه را موظف می‌کند تا «احیای حقوق عامه و گسترش عدل و آزادی‌های مشروع» را زمینه‌سازی کند. از آنجا که وکلا بازوان اجرایی این قوه برای تحقق عدالت هستند، تأمین امنیت آنان جزء لاینفک این مسئولیت است. همچنین، اصل ۱۶۹ با اصل قانونی بودن مجازات‌ها (عقیده قاضی) که می‌گوید: «هیچ فعل یا ترک فعلی به موجب قانونی که پس از آن وضع شده است جرم محسوب نمی‌شود»، از تحمیل

مسئولیت کیفری خودسرانه بر افراد، از جمله وکلا، جلوگیری می‌کند. این اصول در کنار یکدیگر نشان می‌دهند که قانون اساسی ایران، هم بر حق دسترسی به وکیل تأکید دارد و هم با ایجاد چارچوبی برای دادرسی عادلانه و منصفانه، بستر کاهش بزه‌دیدگی کنشگران عرصه عدالت از جمله وکلا را فراهم می‌سازد.

#### ۴-۲. ظرفیت‌های قانون وکالت مصوب ۱۳۷۵ و آیین‌نامه‌های قانون وکلا

قانون وکالت مصوب ۱۳۷۵ و آیین‌نامه‌های مربوطه، با شناسایی قانون وکلا به عنوان نهاد صنفی مستقل، مأموریت صیانت از حیثیت وکالت و دفاع از حقوق صنفی وکلا را بر عهده آن گذاشته است. این جایگاه نهادی، خود پایه‌ای اساسی برای اقدام جمعی در جهت حمایت از وکلا در برابر تهدیدات است. ماده ۱۱۰ آیین‌نامه لایحه قانونی استقلال قانون وکلا دادگستری مصوب ۱۳۳۳ که همچنان بخش‌هایی از آن معتبر است. برای قانون این حق را قائل شده که در صورت تعرض به وکیل، از حیثیت وکیل و شئون وکالت دفاع کند. این ماده، سند قانونی محکمی برای ورود قانون به عنوان مدافع رسمی وکیل در مواقع بزه‌دیدگی است. این قوانین و آیین‌نامه‌ها از طریق ایجاد سازوکارهای انضباطی، به‌طور غیرمستقیم به پیشگیری از بزه‌دیدگی کمک می‌کنند. برای مثال، مواد مربوط به وظایف وکلا در قبال یکدیگر مانند وجوب رعایت احترام متقابل و حرمت حرفه‌ای، فضای داخلی حرفه را به سمت اخلاق‌مداری سوق داده و از بروز برخی تعارضات داخلی که می‌تواند به بزه‌دیدگی بینجامد، پیشگیری می‌کند. از سوی دیگر، آیین‌نامه‌های قانون، سازوکارهایی برای رسیدگی به شکایات وکلا در نظر گرفته‌اند که هرچند عمدتاً انضباطی هستند، اما بستر اولیه‌ای برای طرح و رسیدگی به وکلا فراهم می‌آورند. با وجود این ظرفیت‌ها، قوانین و آیین‌نامه‌های موجود از یک ضعف بنیادین رنج می‌برند؛ آنها فاقد سازوکارهای پیشگیرانه، فوری و حمایتی مشخص برای مقابله با بزه‌دیدگی وکلا هستند. این مقررات بیشتر ناظر بر مسائل انضباطی داخلی و روال‌های سنتی هستند و به صراحت به موضوعاتی مانند «واحد امنیت برای وکلا»، «مکانیسم گزارش‌دهی سریع تهدیدات»، «ارائه مشاوره حقوقی و روانی به وکیل بزه‌دیده» یا «تأمین هزینه‌های دادرسی وکیل در پرونده‌های مرتبط با بزه‌دیدگی شغلی» نپرداخته‌اند. در نتیجه، می‌توان گفت قانون وکالت و آیین‌نامه‌های قانون، پتانسیل و ظرفیت نهادی لازم برای حمایت از وکلا را ایجاد کرده‌اند، اما این ظرفیت‌ها عمدتاً در قالب مکانیسم‌های کلی و انضباطی متجلی شده و فاقد شفافیت، سرعت عمل و جزئیات عملیاتی لازم برای پیشگیری و مقابله مؤثر با پدیده بزه‌دیدگی هستند. به‌روزرسانی این مقررات و تدوین آیین‌نامه‌های تخصصی در زمینه «امنیت شغلی وکلا» ضرورتی انکارناپذیر است.

## ۵. راهکارهای پیشگیرانه از بزه‌دیدگی وکلا

با توجه به آسیب‌پذیری فزاینده وکلا در برابر انواع تهدیدات و خشونت‌های شغلی، ارائه راهکارهای پیشگیرانه جامع و عملیاتی به ضرورتی انکارناپذیر تبدیل شده است. این راهکارها باید فراتر از رویکردهای انفعالی و صرفاً کیفری، بر محوریت پیشگیری فعال، نهادینه‌سازی سازوکارهای حمایتی و ارتقای فرهنگ احترام به نقش وکالت در نظام عدالت طراحی شوند. در این بخش، راهبردهای پیشگیرانه در سه سطح تقنینی، قضایی و اجرایی، با تأکید بر جنبه‌های کاربردی و قابل اجرا، ارائه می‌گردد تا چارچوبی منسجم برای ایمن‌سازی محیط حرفه‌ای وکلا فراهم آید.

### ۵-۱. راهکارهای پیشگیرانه کیفری و سیاست‌گذاری

اساسی‌ترین راهکار تقنینی، تدوین و تصویب «قانون جامع حمایت از وکلا» است. این قانون باید به‌طور مشخص به موضوع امنیت شغلی وکلا بپردازد و با نگاهی پیشگیرانه، چارچوبی شفاف برای حمایت از ایشان تعریف کند. مهم‌ترین محورهای این قانون می‌تواند شامل جرم‌انگاری خاص تهدید، اهانت و تعرض به وکلا به عنوان جرمی مستقل با ضمانت اجراهای مؤثر، ضرورت رسیدگی فوری مراجع قضایی و انتظامی به گزارش‌های وکلا و تعریف واضح مصادیق تعرض به شأن و حرفه وکالت باشد. چنین قانونی با خارج کردن پرونده‌های مرتبط با وکلا از مجرای عادی، پیام روشنی مبنی بر حساسیت و اهمیت امنیت وکلا به دستگاه قضایی و جامعه خواهد داد. راهکار دیگر، بازنگری و اصلاح قوانین پراکنده موجود برای کاهش مواجهه‌های غیرضروری و خطرناک وکلا است. برای مثال، الحاق تبصره‌ای به قانون آیین دادرسی کیفری مبنی بر ممنوعیت احضار وکیل به عنوان متهم صرفاً به دلیل اظهارنظرهای حرفه‌ای در پرونده‌های موکل، می‌تواند از بروز پرونده‌سازی‌ها و اتهام زنی‌های متداول بکاهد. همچنین، الزام به توسعه و بهره‌برداری حداکثری از سامانه‌های الکترونیکی قضایی مانند ابلاغ الکترونیک، تشکیل جلسات غیرحضوری در موارد امکان‌پذیر می‌تواند به‌طور چشمگیری از تعاملات فیزیکی پرخطر وکلا در دادگستری و مواجهه با اصحاب دعوا بکاهد و بستر امن‌تری را فراهم آورد. در سطح کلان‌تر، سیاست‌گذاری برای ایجاد همکاری و تعامل نهادی، بین قوه قضائیه، کانون وکلا و نیروی انتظامی یک ضرورت انکارناپذیر است. این همکاری می‌تواند در قالب تصویب آیین‌نامه‌های مشترک برای نحوه برخورد با تهدیدات علیه وکلا، ایجاد «واحدهای ویژه پلیسی» برای رسیدگی به گزارش‌های وکلا و برگزاری دوره‌های آموزشی مشترک برای قضات و ضابطان قضایی در خصوص شناخت جایگاه وکالت و اهمیت حمایت از آن متجلی شود. چنین هماهنگی نهادی، از انفعال و سردرگمی در مواجهه با حوادث پیش‌آمده جلوگیری کرده و پاسخگویی سیستم را به‌طور چشمگیری افزایش خواهد داد؛

بنابراین می‌توان گفت راهکارهای تقنینی و سیاست‌گذاری باید به سمت شکل دادن به یک چارچوب حمایتی مشخص، پیشگیرانه و نهادی شده حرکت کنند؛ چارچوبی که مبتنی بر قانونی خاص، شفاف و با ضمانت اجرای کافی باشد و نهادهای مختلف را موظف به همکاری برای تأمین امنیت و کلا نماید.

## ۲-۵. راهکارهای پیشگیرانه قضایی و دادرسی

یکی از مؤثرترین راهکارهای قضایی، ایجاد و تثبیت یک رویه قضایی یکپارچه و قاطع در برخورد با متعرضان به وکلا است. دادگاه‌ها و دادرها می‌توانند با صدور آراء و دستورالعمل‌های داخلی، به قضات تأکید کنند که پرونده‌های مرتبط با تعرض به وکلا را در اولویت رسیدگی قرار داده و با متخلفان با حداکثر مجازات‌های پیش‌بینی شده در قانون برخورد کنند. این رویکرد قضایی قاطع، نه تنها باعث اجرای عدالت در مورد هر وکیل بزه‌دیده می‌شود، بلکه اثر بازدارندگی قدرتمندی در سطح جامعه داشته و پیام روشنی مبنی بر عدم تحمل هرگونه تعرض به نهاد وکالت ارسال می‌کند. راهکار عملی دیگر، ایجاد دادگاه‌های ویژه یا شعب خاصی در دادگاه‌ها برای رسیدگی تخصصی و فوق‌العاده به پرونده‌های مرتبط با بزه‌دیدگی وکلا است. این شعب می‌توانند با کاهش تشریفات زائد و تعیین وقت رسیدگی فوری، از طولانی شدن فرآیند دادرسی که خود می‌تواند عاملی برای فرسایش و فشار مضاعف بر وکیل بزه‌دیده باشد، جلوگیری کنند. تسریع در رسیدگی، علاوه بر احقاق حق سریع‌تر، از فراموش شدن پرونده در پیچ‌وخم سیستم قضایی جلوگیری کرده و احساس امنیت و اعتماد وکلا به نهاد قضا را تقویت می‌کند. راهکار پایه‌ای و بلندمدت، گنجانیدن دوره‌های آموزشی اجباری برای قضات و دادستان‌ها در خصوص جایگاه رفیع وکالت در نظام قضایی، حدود مصونیت‌های وکلا و اهمیت حمایت از ایشان است. بسیاری از تعرضات به وکلا، ریشه در عدم درک صحیح برخی مقامات قضایی از نقش وکالت و محدودیت اختیارات خود دارد. این آموزش‌ها می‌تواند به پیشگیری از احضارها و تعقیب‌های غیرقانونی و خودسرانه علیه وکلا که خود مصداق بارز بزه‌دیدگی است، کمک شایانی کند. وقتی قاضی به درستی بداند که اظهارنظر وکیل در چارچوب دفاع از موکل، مشمول مصونیت است، از صدور قرارهای غیرموجه خودداری خواهد کرد؛ بنابراین می‌توان گفت که در مجموع، راهکارهای قضایی حول محور ایجاد قطعیت و سرعت در رسیدگی و ارتقای درک و فرهنگ قضایی نسبت به شأن وکالت می‌چرخد. قوه قضائیه به عنوان متولی اصلی عدالت، نه تنها می‌تواند با برخورد قاطع با مجرمان، از وکلا حمایت کند، بلکه با پیشگیری از صدور احکام و تصمیم‌های خودسرانه که خود می‌تواند منبع بزه‌دیدگی باشد، بزرگ‌ترین نقش را در ایجاد یک محیط امن حرفه‌ای برای وکلا ایفا نماید.

## ۳-۵. راهکارهای پیشگیری وضعی

ایجاد «واحد امنیت و پشتیبانی وکلا» در کانون‌های وکالت به عنوان نخستین گام ضروری است. این واحد می‌تواند با استقرار نیروهای آموزش‌دیده امنیتی و حقوقی، به صورت ۲۴ ساعته به دریافت و پیگیری گزارش‌های تهدید و تعرض بپردازد. همچنین، راه‌اندازی «سامانه رصد و پایش امنیت وکلا» با قابلیت ثبت آنی حوادث، ارسال هشدار به نهادهای مرتبط و ایجاد بانک اطلاعاتی از پرونده‌های بزه‌دیدگی، امکان تحلیل الگوهای تهدید و طراحی اقدامات پیشگیرانه هدفمند را فراهم می‌آورد. علاوه بر این، انعقاد تفاهم‌نامه همکاری بین کانون وکلا، قوه قضائیه و نیروی انتظامی برای تعیین سازوکارهای فوری مداخله، تعیین افسران رابط و برگزاری دوره‌های مشترک آموزش مقابله با تهدیدات، به ارتقای هماهنگی بین‌نهادی منجر خواهد شد. اجرای «دوره‌های آموزشی مدیریت ریسک و خودمراقبتی» برای وکلا به ویژه در حوزه‌های پرخطر (کیفری، خانواده، اقتصادی) از جمله راهکارهای فوری است. این دوره‌ها باید شامل آموزش‌های عملی در زمینه تشخیص علائم تهدید، تکنیک‌های کاهش تنش، امنیت در فضای مجازی و اقدامات احتیاطی در محیط‌های کاری باشد. همچنین، استقرار «سامانه همراه امنیتی» شامل دستگاه‌های دکمه اضطراری و اپلیکیشن‌های امنیتی متصل به مراکز پلیس، امکان درخواست کمک فوری را برای وکلا فراهم می‌کند.

## ۴-۵. راهکارهای پیشگیری اجتماعی

تأسیس «صندوق حمایت از وکلای بزه‌دیده» با هدف پوشش هزینه‌های درمانی، حقوقی و معیشتی نیز به کاهش آسیب‌پذیری اقتصادی وکلا کمک شایانی خواهد کرد. فرهنگ‌سازی عمومی از طریق تولید محتوای آموزشی و رسانه‌ای درباره نقش وکالت در تحقق عدالت، گام بلندمدتی است که باید با همکاری رسانه‌های ملی و شبکه‌های اجتماعی برداشته شود. این اقدامات باید بر تفکیک «وکیل» از «موکل» در افکار عمومی، تبیین مصونیت‌های حرفه‌ای وکیل و تشریح آثار مخرب تعرض به وکلا بر عدالت اجتماعی متمرکز باشد. همچنین، گنجاندن دروسی با عنوان «اخلاق حرفه‌ای و امنیت شغلی وکلا» در طرح دروس دانشگاهی و دوره‌های کارآموزی، نسل آینده وکلا را با چالش‌ها و راهکارهای مقابله آشنا می‌سازد. تقدیر سالانه از وکلایی که در شرایط پرخطر به دفاع از عدالت پرداخته‌اند، نیز به تقویت روحیه حرفه‌ای و ارتقای جایگاه اجتماعی این قشر کمک خواهد کرد. استفاده از ظرفیت‌های بین‌المللی از جمله بهره‌گیری از تجارب کشورهای پیشرو در زمینه حمایت از وکلا و عضویت در نهادهای بین‌المللی مانند اتحادیه وکلای جهان<sup>۱</sup> و انجمن بین‌المللی حقوقدانان<sup>۲</sup> می‌تواند به انتقال دانش

1. UIA

2. IBA

و استانداردهای روز جهان بینجامد. همچنین، به کارگیری فناوری‌های نوین مانند هوش مصنوعی برای رصد فضای مجازی و شناسایی تهدیدات آنلاین علیه وکلا، استفاده از سامانه‌های نوبت‌دهی الکترونیک برای کاهش حضور فیزیکی در دادگستری و توسعه دادرسی الکترونیک به منظور کاهش تعاملات مستقیم و پرخطر، از دیگر راهکارهای اجرایی نوین به‌شمار می‌روند.

### بحث و نتیجه‌گیری

وکالت دادگستری به عنوان حرفه‌ای خطیر و تأثیرگذار در تحقق دادرسی عادلانه، با مخاطرات و تهدیدات گسترده‌ای مواجه است که آن را در زمره مشاغل پرخطر قرار داده است. بزه‌دیدگی وکلا به عنوان مصداقی از «بزه‌دیدگی خاص»، پدیده‌ای است که مستقیماً ناشی از نقش فعال آنان در سیستم عدالت بوده و نه تنها حیات فردی وکلا که سلامت کل نظام قضایی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که بزه‌دیدگی وکلا دارای ابعاد گسترده و پیچیده است که از تهدیدات فیزیکی و جرایم علیه تمامیت جسمانی فراتر رفته و اشکال ناملموس‌تری چون هتک حرمت و حیثیت، ایجاد رعب و ارعاب روانی، اتهام‌زنی، پرونده‌سازی قضایی و ممانعت از دسترسی به امکانات دفاع را در برمی‌گیرد. بررسی ظرفیت‌های حقوقی موجود در نظام حقوقی ایران حاکی از آن است که اگرچه قانون اساسی با تأکید بر حق دسترسی به وکیل (اصل ۳۵)، علنی بودن دادرسی (اصل ۱۶۸) و وظایف قوه قضائیه در احیای حقوق عامه (اصل ۱۵۶)، زمینه‌های حقوقی لازم برای حمایت از وکلا را فراهم کرده و قوانین عادی نیز با شناسایی کانون وکلا به عنوان نهاد صنفی مستقل، ظرفیت‌های نهادی برای دفاع از حیثیت وکالت ایجاد کرده‌اند، اما این ظرفیت‌ها عمدتاً کلی و غیرشاخص بوده و فاقد سازوکارهای پیشگیرانه، فوری و اجرایی مشخص برای مقابله با پدیده بزه‌دیدگی وکلا هستند. برای مقابله مؤثر با این چالش، ارائه راهکارهای سامان‌یافته در سه سطح تقنینی، قضایی و اجرایی ضروری به نظر می‌رسد. در سطح تقنینی، تدوین «قانون جامع حمایت از وکلا» با محوریت جرم‌انگاری خاص تعرض به وکلا، تعریف سازوکارهای گزارش‌دهی فوری و تأمین حمایت‌های مالی و حقوقی از وکلای بزه‌دیده، امری اجتناب‌ناپذیر است. در سطح قضایی، ایجاد دادگاه‌های ویژه برای رسیدگی به پرونده‌های مرتبط با بزه‌دیدگی وکلا، صدور دستورالعمل‌های قضایی یکپارچه برای برخورد قاطع با متعرضان و آموزش قضات در زمینه مصونیت‌ها و جایگاه وکالت، می‌تواند تأثیر به‌سزایی در ایجاد امنیت قضایی برای وکلا داشته باشد. در سطح اجرایی نیز تقویت نهادهای صنفی، ایجاد واحدهای امنیتی ویژه در کانون‌های وکلا و توسعه همکاری‌های بین‌نهادی میان قوه قضائیه، کانون وکلا و نیروی انتظامی، از ضروریات غیرقابل انکار است. در خاتمه باید تأکید کرد که امنیت وکلا و مصونیت آنان از

تعرض، نه تنها یک حق صنفی، بلکه پیش شرط ضروری برای تحقق حق بر دادرسی عادلانه و تضمین حق دفاع مؤثر برای تمامی شهروندان است؛ بنابراین، حمایت از وکلا در واقع حمایت از عدالت و صیانت از سلامت نظام قضایی است. بدون وجود وکلای آزاد، مستقل و امن، تحقق دادرسی عادلانه که از اصول مسلم حقوق بشر و از ارکان نظام جمهوری اسلامی ایران است، امکان‌پذیر نخواهد بود. امید است با عزمی ملی و با همکاری تمامی نهادهای ذی‌ربط، گام‌های اساسی در جهت تأمین امنیت شغلی وکلا و پیشگیری از بزه‌دیدگی ایشان برداشته شود.

## پیشنهادها

- ۱) طراحی یک اپلیکیشن یا پورتال داخلی برای ثبت سریع و محرمانه حوادث توسط وکیل؛
- ۲) تعیین افسران رابط آموزش‌دیده که با پرونده‌های مربوط به وکلا آشنا هستند و می‌توانند بلافاصله برای گزارش فوری تهدیدات وکلا وارد عمل شوند؛
- ۳) تدوین و تصویب «قانون جامع حمایت از وکلا».

## منابع

- ابراهیمی، شهرام. (۱۳۹۰). جرم‌شناسی پیشگیری. جلد اول. تهران: انتشارات میزان.
- احمری، حسین؛ احمدی، موسی. (۱۳۸۸). بررسی فقهی حقوقی مسئولیت و مصونیت مقام قضایی. *مجله فقه و اصول*، ۲۰، ۳۳-۹.
- <https://ensani.ir/fa/article/260509>
- الستی، ساناز و حسن‌پور، معصومه. (۱۳۸۵). بزه‌دیده شناسی و پیشگیری از بزه دیدگی. *دادرسی*، ۵۶: ۲۴-۲۷.
- <https://www.magiran.com/paper/341685>
- بهادری جهرمی و علی، حسینی. (۱۳۹۳). اصول دادرسی عادلانه در پرتو اندیشه اسلامی و نظام حقوق داخلی. *مطالعات حقوق بشر اسلامی*، ۳ (۷)، ۳۲-۹.
- <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1111427>
- توسلی، منوچهر. (۱۳۸۰). مصونیت وکلای مدافع در حقوق ایران. *وکالت*، ۹، ۱۹-۲۱.
- حبیب زاده، محمدجعفر و اسدی، فرشته. (۱۳۸۷). مصونیت قضایی دادرسان و وکلای دادگستری در نظام حقوقی ایران، *فصلنامه حقوق خصوصی*، ۳۸ (۴)، ۱۸۴-۱۶۱.
- [https://jllq.ut.ac.ir/article\\_27614.html](https://jllq.ut.ac.ir/article_27614.html)
- خدائیان چگنی، ذبیح اله. (۱۳۹۱). بررسی تطبیقی نهادهای نظام عدالت کیفری فرانسه و ایران در مقابله با جرایم اقتصادی. *مطالعات حقوقی*، ۴ (۲)، ۵۸-۳۱.
- [https://jls.shirazu.ac.ir/article\\_1130.html](https://jls.shirazu.ac.ir/article_1130.html)
- خوش‌سلوک، مهران. (۱۴۰۲). آسیب‌شناسی حرفه وکالت و جرایم علیه تمامیت جسمانی وکلای دادگستری. *علوم انسانی و اسلامی در هزاره سوم*، ۷ (۳)، ۱۸۲-۱۹۳.
- <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/2178173>
- صیاد، حسین و امینی زارع، سیمین. (۱۴۰۳). *مروری بر امنیت شغلی وکلای دادگستری*. نهمین کنفرانس ملی رویکردهای نوین در آموزش و پژوهش، محمودآباد.
- فضائلی، مصطفی. (۱۳۸۹). *دادرسی عادلانه*. چاپ دوم. تهران: انتشارات شهر دانش.
- کرامتی معز، هادی. (۱۴۰۴). *جرم‌شناسی (طرح مباحث نوین در دانش جرم‌شناسی)*. چاپ دوم. تهران: شرکت سهامی انتشار.
- معینی‌پور، مسعود. (۱۳۸۶). کارکردها و مبانی نظری قانون اساسی جمهوری اسلامی از دیدگاه امام خمینی (ره) و شهید بهشتی. *مطالعات انقلاب اسلامی*، ۹ و ۱۰: ۲۰۹-۲۳۴.
- مرتضوی، نسرین. (۱۳۷۶). *جایگاه زنان بزه‌دیده در قلمرو سیاست جنایی ایران*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، مجتمع آموزش عالی قم.
- Chirico, F., Sacco, A., & Magnavita, N. (2024). Workplace violence: risk assessment is the basis for prevention. *G Ital Psicol Med Lav*, 4(2), 92-98.
- Crowley D Max. (2013). Building Efficient Crime Prevention Strategies Considering the Economics of Investing in Human Development, *Criminology & Public Policy*, 12(2), 353.
- Griner, H.L., Crowley, D. M., Kuklinski Margaret R, Jones Damon, E. (2013). *Research priorities for economic analyses of prevention: Current issues & future directions*. *Prevention Science*, pub ahead of print.

- Kelk, N.J., Medlow, S., & Hickie, I. (2010). Distress and depression among Australian law students: incidence, attitudes and the role of universities. *Sydney Law Review*, 32(1).
- Krill, P.R., Johnson, R., & Albert, L. (2016). The prevalence of substance use and other mental health concerns among American attorneys. *Journal of Addiction Medicine*, 10(1).
- Leclerc, M-E., Wemmers, J-A., & Brunet, A. (2020). The unseen cost of justice: post-traumatic stress symptoms in Canadian lawyers, *Psychology, Crime & Law*, 26(1).
- Omari, M & Paull, M. (2014) Shut up and bill’: workplace bullying challenges for the legal profession, *International Journal of the Legal Profession*, 20 (2).